



هادی قطبی

ستون نامرئی به نام ستون پنجم



اشاره

نفاق به معنای دو رویی و پنهان داشتن اعتقادات و تفکرات است. به فردی که ادعای ایمان می‌کند، ولی در باطن اعتقادی به آنچه یک مسلمان واقعی انجام می‌دهد، ندارد؛ منافق گفته می‌شود. منافق را به راحتی نمی‌توان از مسلمان تشخیص داد، چون هر دو به ظاهر مؤمن هستند و رفتارهایشان به هم شبیه است، اما با اندکی دقت می‌توان شخص منافق را با برخی صفات و ویژگی‌ها شناخت. این نوشتار در راستای شناخت منافق و بیان علایم و نشانه‌های اوست.

به منافقین یادآوری می‌کند.^۲

علامه نفاق

بهترین راه شناخت برنامه‌ها و مقابله با منافقان، آشنایی با علایم و ویژگی‌های آنهاست که به برخی از آن نشانه‌ها، اشاره می‌شود:

◀ دروغ (اعتقادی و عملی)

البته نشانه نفاق، دروغ اعتقادی و عملی است، ولی آنچه اکثر مردم بدان مبتلا هستند، گفتار بی عمل است.

دروغ اعتقادی، یعنی فرد به ظاهر مؤمن است و در باطن کافر. دروغ عملی، یعنی فرد در باطن ادعای ایمان دارد، ولی در ظاهر بدان پای بند نیست. در مورد دروغ عملی روایات بسیاری وجود دارد.^۳

نفاق برای انسان یک نوع کمال است. اینکه انسان بتواند خود را برخلاف آنچه که هست، نشان دهد، از کمال انسان ناشی می‌شود؛ چراکه هر چه انسان بدوی تر باشد، نفاقش کمتر است. کودک دروغ نمی‌گوید و اگر مثلاً گرسنه باشد، آن را اظهار می‌کند و گاه برای سبزی خود گریه می‌کند؛ اما انسان بزرگسال، اگر گرسنه باشد، اظهار نمی‌کند و چنانچه به او تعارف کنند، می‌گوید میل ندارم!

شهید مطهری (ره) در خصوص نفاق و دروغ عممی، می‌فرماید: «هازن (فیلسوف انگلیسی) در مقایسه بین حیوانات اجتماعی - مانند مورچه و زنبور... - با انسان که موجودی اجتماعی است، چند تفاوت را بر می‌شمارد که از جمله آنها «قدرت تکلم و سخن گفتن» است که

سعادت و شقاوت بشر از همین امر ناشی می‌شود. چون قدرت قلب حقایق را دارد. اگر حجاج ثقفی یا مسلم بن عقبه به مردم مدینه می‌گفتند: مردم! باید به عنوان بندگی و بردگی، با یزید بیعت کنید، دیگر نمی‌گفت من آمده‌ام شما را آزاد کنم. می‌گفت اصلاً آمده‌ام شما را برده کنم.^۴ اما امروز به بهانه استعمار، غارتگری می‌کنند. به نام حقوق بشر، حقوق ملت‌ها را پایمال می‌کنند. به نام مؤسسات و مراکز

هر نهضتی بعد از پیروزی خود، با صفوف منافقان روبه‌رو می‌شود. عوامل و گروه‌هایی که در لباس دوست، جلوه‌گری می‌کنند. «ستون پنجم»، اصطلاحی است که برای چنین افرادی در همه نظام‌ها به کار برده می‌شود.

خطر منافق بیشتر از دشمن خارجی است؛ چراکه با توجه به مخفی‌کاری و «خودی» جلوه دادن، شناسایی آنها آسان نیست و از سوی دیگر روابط مختلف با ارکان و نهادهای اجتماعی و دسترسی به اطلاعات و اسرار حکومت، کار مبارزه با آنها را دشوار می‌کند. و از آنجا که مبارزه با نفاق از پیچیدگی خاصی برخوردار است، معمولاً با شکست مواجه شده است. اینکه پیامبر اکرم (ص) در مبارزات خود به پیروزی بیشتری دست می‌یافت، و امام علی (ع) و سایر ائمه معصومین (ع) با شکست مواجه می‌شدند، دقیقاً به خاطر همین مسأله است. دشمنان پیامبر (ص)، کافران و مشرکان بودند که صریحاً می‌گفتند ما خدا را قبول نداریم و تو را فرستاده خدا نمی‌دانیم، اما صفوفی که در مقابل حضرت امیر (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) تشکیل شده بود، به ظاهر مسلمان و مدعی پیروی از پیامبر خدا (ص) و احقاق حقوق از دست رفته مظلومان بودند.

منافق بدتر از کافر است و به تصریح قرآن، در درک دوزخ قرار دارد^۱ و دورترین مردم از خدا شمرده می‌شود؛ به طوری که خداوند، عذاب‌های قوم نوح، عاد، ثمود، ابراهیم، اصحاب مدین (شعیب) و قوم لوط را



◎ منافق، همواره خود را بهتر و برتر از دیگران می‌پندارد، او خود را مالک همه چیز دانسته و برای دستیابی به امیال خود، دیگران را مانع می‌داند. خود را عقل کل و نماینده مردم می‌داند و به طور کلی، منافق، خود را عزیز و دیگران را حقیر و ذلیل می‌شمارد و حتی بیشتر از مؤمنین اظهار ایمان می‌کند.

فرهنگی، کار ضد فرهنگی می‌کنند. به نام حقوق و آزادی زن، فمینیسم را مطرح می‌کنند. به بهانه صلح و حفظ امنیت جهانی و ایجاد برابری و دموکراسی، جهان را به آشوب کشانده و غارتگری می‌کنند و به بهانه اصلاح، جامعه را رو به فساد می‌برند. «شهید مطهری (ره) می‌فرماید: «ایا توجه دارید که بسیاری از الفاظی که امروز رایج است، الفاظ منافقانه است؟ مثلاً کلمه استعمار به معنای به دنبال آبادی رفتن است... اما کشورهای استعمارگر هر جا که می‌رفتند، نمی‌گفتند ما آمده‌ایم منافع شما را بچاپیم و منافع زیر زمینی شما را ببریم، بلکه می‌گفتند ما آمده‌ایم سرزمین شما را آباد سازیم و به ظاهر هم همین کارها را می‌کردند؛ مثلاً یکی دو تا جاده هم می‌کشیدند، ولی هزار برابر آنچه که برای مردم کار می‌کردند، از منافع آنها می‌بردند. و بدین وسیله مردم آن کشورها را بنده خویش می‌ساختند. پس استعمار یک لغت منافقانه است. یعنی در عین اینکه معنی درستی دارد، ولی به صورت واقعی به کار نمی‌رود... یکی از آفریقای‌ها گفته است روزی که اروپایی‌ها به کشورهای ما آمدند، ما زمین داشتیم و آنها انجیل به دست داشتند، ولی پس از گذشتن ۴۰ - ۵۰ سال، دیدیم انجیل در دست ما مانده است و زمین‌ها در دست آنان است.»^۵

وقتی دقت می‌کنیم، می‌یابیم فاصله میان ادعا و عمل، از فاصله طبقاتی بین فقراء و ثروتمندان بسیار بیشتر و مضرت‌تر است. استفاده ابزاری از علم و مفاهیم ارزشی است که انسان را به نفاق آلوده می‌کند. «کلمه الحق، براد بها الباطل». کار همیشگی منافقین در طول تاریخ بوده است و به عنوان نمونه، پیش از انقلاب، در راستای ترویج تفکر مادگیری و ماتریالیسم، در نوشته‌ها از قیامت و معاد و انسان و توحید، غیر از معنای حقیقی را اراده می‌کردند.

اظهارات و سوگندهای دروغین، از جمله ابزارهای منافق است. کسی که همواره سعی دارد با استفاده از اهرمی، مردم را از مسیر حق باز دارد.^۶ چنین افرادی در جامعه اسلامی، زیر پوشش نام خداوند و واژه‌های مقدس و پرارزش، چهره واقعی خود را مکتوم نگه می‌دارند. در تاریخ اسلام می‌خوانیم: وقتی منافقین، مسجد ضرار را بر پا می‌کنند، سوگند می‌خورند که جز هدف خیر ندارند.^۷ برای شرکت در جنگ، اگر احتمال دستیابی به غنائم زیاد باشد، اعلام

آمادگی می‌کنند؛ اما برای شرکت در جنگ تبوک که با مشکلات روبه‌رو بودند، با قسم خوردن‌ها، هزار عذر و بهانه می‌آورند.^۸ این صفت چنان با آنان عجین شده که در صحرای محشر مقابل خداوند نیز سوگند دروغ می‌خورند!^۹

علت سوگند منافقین بدان جهت است که آنها نخست ایمان آورده و نشانه حقانیت اسلام را دیده‌اند. از همین رو به عظمت خداوند و پیامبر علم دارند، اما نسبت به آن دشمنی و عداوت قلبی دارند.

در منابع اسلامی بسیار توصیه شده که افراد، ادعای بزرگ شیعیگی و پیروی از اهل بیت (ع) نکنند، چراکه این ادعا باید با عمل همراه باشد، در حالی که بسیاری از افرادی که شیعه و مؤمن نامیده می‌شوند، تنها ظاهرالصلاح بوده و دامنه‌شان به بسیاری از ردایل اخلاقی آلوده است. از همین رو، دروغ عملی بسیار شایع و دامن گیر است.

دامنه دروغ عملی و اعتقادی آنقدر گسترده است که می‌توان تمام صفات منافقین را در این گزینه جای داد، اما برای شناخت بیشتر و کالبد شکافی آن، ذکر موارد دروغ عملی لازم و ضروری است.

◀ **عدم درک واقعیت‌ها و عدم انعطاف در برابر حق**
عمل نیک زاینده ایمان است و منافق به خاطر اینکه

ایمان درستی ندارد، عمل نیک او نیز فایده‌ای نمی‌بخشد. از همین رو توصیه و ارشاد به او، سودی ندارد و بیماری او را افزایش می‌دهد تا جایی که در مقابل حق، هیچگونه تمکینی از خود نشان نمی‌دهد.

◀ **خود برترینی و تحقیر دیگران**

منافق، همواره خود را بهتر و برتر از دیگران می‌پندارد. او خود را مالک همه چیز دانسته و برای دستیابی به امیال خود، دیگران را مانع می‌داند. خود را عقل کل و نماینده مردم می‌داند و به طور کلی، منافق، خود را عزیز و دیگران را حقیر و ذلیل می‌شمارد و حتی بیشتر از مؤمنین اظهار ایمان می‌کند.

◀ **تمسخر حق و مؤمنین**

حق و حقیقت را به سخریه گرفتن، از دیگر ویژگی‌های منافق است. شخص منافق به دلیل غرور و عداوت، مؤمنین را پست و خوار می‌شمارد و آنها را تحقیر می‌کند.

◀ **استفاده از حره مذهب علیه مذهب**

شخص منافق، همواره نقاب ایمان را برای پیشبرد اهداف خود بر چهره دارد و برای تضعیف باورهای دینی در جامعه، از راه دین و دینداری وارد می‌شود.



● **اشخاص منافق، برای داشتن پشتوانه قوی در رسیدن به اهداف خود، از مردم هزینه می‌کنند و با شعارهای عوام‌فریبانه، به دنبال جلب اعتماد و رضایت آنها برای عملکرد خود هستند. اشتباهات و خطاهای خود را با سوگندهای دروغین و استدلال‌های مغالطه آمیز، توجیه می‌کنند.**

● **شخص منافق، برای رسیدن به مقصود، از الفاظ و کلمات چند پهلو بهره می‌گیرد تا در مواقع لزوم عملکرد خود را توجیه کند. گاه برای فرار از مجازات و حفظ آبروی خود نیز جدی‌ترین مطالب را در قالب شوخی و مزاح بیان می‌کند تا به مقصود خود دست یابد و چنانچه کاری از پیش نبرد، از مجازات بگریزد. در حالی که برخی از مسایلی و اصول شوخی‌بردار نیست و باید بسیار شفاف و صریح تبیین شود.**

قوی در رسیدن به اهداف خود، از مردم هزینه می‌کند و با شعارهای عوام‌فربانه، به دنبال جلب اعتماد و رضایت آنها برای عملکرد خود هستند. اشتباهات و خطاهای خود را با سوگندهای دروغین و استدلال‌های مغالطه‌آمیز، توجیه می‌کنند. خداوند خطاب به چنین افرادی می‌فرماید: «اگر آنها راست می‌گویند و ایمان دارند، شایسته‌تر این است که خدا پیامبرش را راضی کند».^{۱۷}

◀ قانون‌گریز و پیمان‌شکن

منافق، در قول و وعده بسیار ضعیف و در عمل پیمان‌شکن است. اگر با مؤمنین و حکومت پیمان ببندد، نسبت به آن احساس تعهد نمی‌کند و زمانی که منافع خود را در خطر ببیند، با کوچکترین بهانه‌ای از آن سر باز می‌زند. اگر با وعده و وعید به مردم به پست و مقامی دست یابد، نسبت به انجام آنچه گفته است، روی گردان بوده و وعده‌های خود را فراموش می‌کند.

◀ توجه به کمیت به جای کیفیت

از آنجا که منافق دارای نگاه سطحی بوده و از بینش عمیق برخوردار نیست، به ظواهر امور بیشتر از محتوا اهمیت می‌دهد. برای انجام مسئولیت‌های خود، بیش از اینکه از عملکرد مفید و سازنده دفاع کند، به دادن آمار و ارقام و امور ظاهری تکیه می‌کند، چراکه برای او، کمیت ارزش بیشتری دارد.

◀ تضعیف روحیه وحدت ملی

منافقین، چون نمی‌توانند ملت را با خود همراه سازند، در صدد اختلاف‌افکنی بین نظام و مردم هستند تا مردم را نسبت به نظام بدبین کنند. آنها سعی می‌کنند با بزرگ‌نمایی نقاط اختلاف و کم رنگ کردن نقاط اشتراک، وحدت افراد جامعه را تضعیف کرده و با ایجاد تنش در بین مسلمانان، به اهداف خود نزدیک شوند.

◀ هراس و ترس همیشگی از بحران‌ها

بدگمانی و ترس و وحشت از هر حادثه به دلیل عدم برخورداری از ایمان حقیقی که یک تکیه‌گاه مطمئن و باطنی است، موجب ایجاد روحیه ترس و هراس همیشگی در منافق می‌شود. قرآن آرامش و اطمینان واقعی را در ایمان و یاد خدا می‌داند: «لا بذكر الله تطمئن القلوب».^{۱۸}

◀ استفاده از القاص و تعابیر چند پهلو

شخص منافق، برای رسیدن به مقصود، از الفاظ و کلمات چند پهلو بهره می‌گیرد تا

می‌کنند، از روی ظاهرسازی و جلب اعتماد است.

اصولاً می‌توان گفت منافقین، در مسئولیت‌ها، کارهای خیر و عبادت‌های خود که همت بوده و از رغبت چندانی برای انجام امور برخوردار نیستند.

◀ امتیازخواهی از حکومت

افراد منافق، به جهت اینکه خود را برتر از دیگران می‌دانند، برای خود امتیازات ویژه‌ای قایل هستند. زیاده‌خواهی از بیت‌المال، سهم‌خواهی از حکومت، تن ندادن به دوری قانون و دوری از حق و عدالت و انصاف؛ از ویژگی‌های آنهاست.^{۱۹}

◀ یارگیری از معاندین نظام

گروهک‌های منافقین، برای انسجام بیشتر و دست‌یابی به وحدت رویه، به کادرسازی و تشکیل سازمان‌ها و گروه‌های مخالف نظام مبادرت می‌کنند. یارگیری از افراد سرخورده و مخالف نظام در همین راستاست. منافقین صدر اسلام، برای تضعیف نظام و جلوگیری از نفوذ اسلام از مخالفان نظام اسلامی که اغلب یهودی بودند، بهره می‌بردند. امروز، دوستی و ارتباط با استکبار و استعمار نوین و بهره‌گیری از امکانات و حمایت‌های آنها، از جمله ابزارهای منافقین در مقابله با نظام اسلامی محسوب می‌شود.

◀ ترک امر به معروف و نهی از منکر

منافقین برای برخورداری از آزادی عمل و رسیدن به اهداف خود، به تضعیف فریضه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و دیگران را نسبت به انجام آن مأیوس و سست می‌کنند. تا از نظارت و انتقاد در امان باشند.

◀ استفاده ابزاری از مردم

اشخاص منافق، برای داشتن پشتوانه

از همین رو خداوند در هشدارهای خطاب به امت‌ها می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم؛ خداوند هیچ قوم را دگرگون نخواهد کرد، جز آن که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند» (۱۰). کسانی که از داخل و با سلاح مذهب، دین و آیین حق را از بین می‌برند و بی‌روح و توخالی می‌کنند، همان‌ها انقلاب و ارزش‌های اسلامی را در نظر مردم تضعیف می‌کنند و باعث فروپاشی از درون می‌شوند.

◀ خیانت در انجام وظیفه و فرار از مسئولیت

معمولاً افراد منافق، برای فرار از مسئولیت و عدم انجام وظیفه و نیز سرپوش‌گذاشتن بر کم‌کاری‌ها، بهانه‌تراشی کرده و به عذرهای بی‌جا و غیرموجه روی می‌آورند. اگر در مسئولیتی قرار بگیرند، طبق نظر خود عمل کرده و در توجیه عملکرد خود، به قانون متوسل می‌شوند و آن را تفسیر به رأی می‌کنند. آنان غالباً به یک سلسله موضوعات جزئی و ناچیز و گاه مضحک و خنده‌آور متوسل می‌شوند تا موضوعات مهم نادیده گرفته شود. آنها برای گرفتن پست‌ها و مسئولیت‌های مهم، ادعای امانت‌داری می‌کنند، ولی در واقع اهل امانت نیستند.

◀ کم‌همتی و سستی در کارهای خیر

منافق، کار خیر را با بی‌رغبتی و دلسردی انجام می‌دهد، گویا به انجام آن مجبور بوده و آن کار بر او تحمیل شده است. از همین رو در انجام مسئولیت‌های خود و خدمت به دیگران، کوتاهی کرده و به درستی انجام نمی‌دهد.

به عنوان مثال، در انفاق دستشان بسته و قابل به یاری محرومان و مستمندان؛ حتی نزدیکان خود نیستند. اگر در این راه کاری

در مواقع لزوم عملکرد خود را توجیه کند. گاه برای فرار از مجازات و حفظ آبروی خود نیز جدی‌ترین مطالب را در قالب شوخی و مزاح بیان می‌کند تا به مقصود خود دست یابد و چنانچه کاری از پیش نبرد، از مجازات بگریزد، در حالی که برخی از مسایل و اصول شوخی‌بردار نیست و باید بسیار شفاف و صریح تبیین شود.^{۱۴}

◀ مصلحت‌سنجی‌های بی‌مورد

منافقین، معمولاً برای ایجاد گمراهی و رسیدن به اهداف خود، در لباس اصلاح‌طلبی، به ایجاد فساد می‌پردازند. موضع‌گیری‌ها و مصلحت‌سنجی‌های بی‌مورد به بهانه حفظ نظم و مصالح ملی، از جمله ابزار منافقین است.

◀ لحن توهین‌آمیز

شخص منافق در موضع‌گیری و مصلحت‌اندیشی‌های خود، لحن تند و توهین‌آمیز دارد و با گوشه و کنایه و عداوت، خواسته‌های قلبی خود را اظهار می‌کند.^{۱۵}

◀ تشکیل جلسات مخفی

برگزاری نشست‌های مخفیانه و برنامه‌ریزی برای اخلاک‌گری و انحراف جامعه، از جمله رویکردهای منافقین است.^{۱۶} این افراد به دلیل تفکرات انحرافی، از طرح آن در بین مردم هراس داشته و از رسوایی خود بیم دارند.

◀ ایجاد حس بدبینی و

سیاه‌نمایی

منافق، همواره لجوج بوده و برای بی‌اعتنایی و تضعیف حکومت در نظر مردم، کارهای مثبت را بد جلوه داده و سیاه‌نمایی می‌کند. شخص منافق، پیشرفت‌ها را می‌بیند، ولی اعتنا نمی‌کند تا چرخه فعالیت مفید و سازنده در جامعه از کار بیفتد.

◀ عبادت‌های بی‌روح

منافق، موحد واقعی نیست. به همین دلیل، از عبادت خود لذت نمی‌برد و آن را با بی‌حالی و کسالت انجام می‌دهد. یعنی عمل نیک آنها، از روی ریاست، نه بندگی و اخلاص.^{۱۷}

◀ خودداری از شرکت در جهاد

منافق، در مواقع حساس و خطیر، با بهانه‌های واهی صحنه را ترک کرده و از شرکت در جهاد و مقابله با دشمن سر باز می‌زند. آنان نسبت به انجام جهاد کراهت داشته، و چون منفعت‌طلب و خودخواه

هستند، اهل ایثار، فداکاری و از خود گذشتگی نیستند و از بذل جان و مال خودداری می‌کنند.

چنانچه به هر دلیلی در جهاد شرکت داشته باشند، در صورت پیروزی، حق مادی و معنوی خود را مطالبه می‌کنند و اگر دشمن پیروز شود، جبهه‌خودی را به باد انتقاد گرفته و آنها را سرزنش می‌کنند. منافقین، رفیق قافله و شریک دزدند. به هنگام پیروزی خود را وارث افتخارات می‌دانند در عین حال از پیروزی مسلمین ناراحت و از شکست آنها خوشحال می‌شوند.

◀ شایعه‌پراکنی

منافق، برای تضعیف نظام، مبادرت به انتشار اطلاعات نادرست در جامعه می‌کند تا به تنش و دشمنی بین گروه‌ها دامن زده و ملت را نسبت به نظام بدبین و از آن جدا کند. در برخی از مواقع نیز بر خلاف منافع ملی، اقدام به افشاء اطلاعات و اسرار نظام کرده و مردم و حکومت را دچار بحران می‌کند.

◀ مظلوم‌نمایی و اظهار ندامت

● خطر منافق بیشتر از دشمن خارجی است؛ چراکه با توجه به مخفی‌کاری و «خودی» جلوه دادن، شناسایی آنها آسان نیست و از سوی دیگر روابط مختلف با ارکان و نهادهای اجتماعی و دسترسی به اطلاعات و اسرار حکومت، کار مبارزه با آنها را دشوار می‌کند. و از آنجا که مبارزه با نفاق از پیچیدگی خاصی برخوردار است، معمولاً با شکست مواجه شده است.

منافق، با تمام توان و امکانات خود به فعالیت می‌پردازد و چنانچه کار او به رسوایی انجامد، اظهار ندامت و پشیمانی کرده و خود را به تغافل و بی‌اطلاعی می‌زند و برای خلاصی خود، پیشنهاد جبران می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره نساء، آیه ۱۲۵.
۲. سوره توبه، آیه ۷۰.
۳. به عنوان نمونه، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «سه چیز است که هر کس داشته باشد، منافق است. هر

۴. با تغییر و تلخیص: پانزده گفتار، شهید مرتضی مطهری (ره). تهران، صدرا، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.
۵. آشنایی با قرآن ج ۱ و ۲، شهید مرتضی مطهری (ره)، ص ۱۵۰ - ۱۵۲.
۶. منافقون، آیه ۲.
۷. توبه، آیه ۱۰۷.
۸. توبه، آیه ۲۴.
۹. مجادله، آیه ۱۸.
۱۰. رعد، آیه ۱۱.
۱۱. نور، آیه ۴۸.
۱۲. توبه، آیه ۶۲.
۱۳. رعد، آیه ۲۸.
۱۴. خداوند در هشدار به آنان می‌فرماید: «آیا خدا و آیات او و رسوایی را مسخره می‌کنید و به شوخی می‌گیرید؟» (توبه، آیه ۶۵).
۱۵. محمد، آیه ۲۹ و ۳۱.
۱۶. قرآن از این امر، به نجوا و درگوشی سخن گفتن، تعبیر کرده است. (توبه، آیه ۷۸).
۱۷. نساء، آیه ۱۴۲.

